

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/08/09

نقش وحی در تشریح اذان و انکار ابن کثیر :

دسته پنجم: از روایات آن است که اذان به وحی الهی مشروعیتش تصویب شد روایتی را بزار در مسند خود از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می کند که به زودی می بینیم که همین روایت نیز توسط ابن کثیر انکار می شود:

لما أراد الله ان يعلم رسوله الاذان أتاه جبرائيل عليه السلام بدابة يقال لها البراق فذهب يركبها فاستصعبت فقال لها اسكني فوالله ما ركبك عبد أكرم علي الله من محمد قال فركبها حتي انتهى إلي الحجاب الذي يلي الرحمن تبارك وتعالى فبينما هو كذلك إذ خرج ملك من الحجاب فقال رسول الله صلي الله عليه وسلم يا جبرائيل من هذا قال والذي بعثك بالحق اني لأقرب الخلق مكانا وان هذا الملك ما رايته منذ خلقت قبل ساعتی هذه فقال الملك الله أكبر الله أكبر قال فقيل له من وراء الحجاب صدق عبدي انا أكبر انا أكبر ثم قال الملك أشهد أن لا إله إلا الله قال فقيل له من وراء الحجاب صدق عبدي انا لا اله الا انا ثم قال الملك اشهد ان محمدا رسول الله فقيل له من وراء الحجاب صدق عبدي انا أرسلت محمدا ثم قال الملك حي علي الصلاة حي علي الفلاح ثم قال الملك الله أكبر الله أكبر فقيل له من وراء الحجاب صدق عبدي انا أكبر انا أكبر ثم قال لا إله إلا الله قال فقيل من وراء الحجاب صدق عبدي انا لا اله الا انا قال ثم اخذ الملك بيد محمد صلي الله عليه وسلم فقدمه فأمر أهل السماء فممنهم آدم ونوح

زمانی که خداوند خواست تا اذان را به پیامبر آموزش دهد جبرائیل علیه السلام را برای آن حضرت مرکبی را که براق نامیده می شد برای پیامبر آورد و حضرت را سوار بر آن کرد آن مرکب اظهار خستگی کرد جبرائیل به او گفت: آرام باش به خدا سوگند بنده ای با کرامت تر از محمد نزد خداوند سوار تو نشده است. رسول خدا صلی الله علیه وآله سوار بر آن شد تا آن که به محل حاجبی که برای خداوند رحمن بود رسید در همین حال بود که ملکی از پشت حجاب بیرون آمد رسول خدا صلی الله علیه وآله سؤال کرد: ای جبرائیل این ملک کیست؟ گفت: سوگند به آن خدایی که تو را بر حق مبعوث نمود او نزدیک ترین خلق خدا از حیث مکان به خداوند است و من این ملک را تا این لحظه هرگز ندیده بودم. آن ملک گفت: الله اکبر الله اکبر از پشت حجاب گفته شد: بنده من راست گفت، من بزرگ تر از هر چیزی هستم. سپس ملک گفت: أشهد أن لا إله إلا الله. از پشت حجاب گفته شد: بنده من راست گفت، به غیر از من هیچ معبودی نیست. سپس ملک گفت: أشهد أن محمدا رسول الله. از پشت حجاب گفته شد: بنده من راست گفت، من محمد را به رسالت برانگیختم. سپس ملک گفت: حي علي الصلاة حي علي الفلاح الله اكبر الله اكبر. از پشت حجاب گفته شد: بنده من راست گفت، من بزرگترم من بزرگ ترم و غیر از من هیچ معبودی نیست. سپس ملک دست پیامبر اکرم را گرفت و او را نزد اهل آسمان از جمله آدم و نوح بودند برد.

مسند البزار، ج 2، ص 146، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق البزار الوفاة: 292، دار النشر: مؤسسة

علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم - بيروت، المدينة - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله.

نصب الرأية لأحاديث الهداية، ج 1، ص 260، اسم المؤلف: عبدالله بن يوسف أبو محمد الحنفي الزيلعي الوفاة: 762 ،

دار النشر: دار الحديث - مصر - 1357، تحقيق: محمد يوسف البنوري.

الخصائص الكبرى، ج 1، ص 15، اسم المؤلف: أبو الفضل جلال الدين عبد الرحمن أبي بكر السيوطي، الوفاة: 911هـ،
دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1405هـ - 1985م.

به خوبی مشخص است که سناریویی درست کرده اند تا بتوانند این قضایا را به عنوان مسائل و احکام شرعی به خورد
مردم دهند.

کتاب «نصب الرأية» از آقای زیلعی که از فقها و محدثین مشهور اهل سنت است و نیز سیوطی هم این روایت را نقل
کرده اند.

این مطلب نشان می دهد که مشروعیت اذان توسط خدای عالم آن هم توسط ملکی که جبرئیل مقرب هم او را تا به
حال ندیده بوده نازل شده است.

یعنی اینجا دیگر نه عمر و نه عبد الله بن زید و نه ابوبکر و نه غیره در کار نیستند، بلکه مستقیماً می گوید: تشریح اذان
توسط خدای عالم صورت گرفته است. آن هم توسط ملکی که حتی جبرئیل هم او را ندیده است.

از عبد الله بن عمر نقل می کنند:

وعن ابن عمر أن النبي صلي الله عليه وسلم لما أسري به إلي السماء أوحى الله إليه بالاذان فنزل به فعلمه جبريل.

از ابن عمر روایت شده که چون پیامبر را به معراج سیر دادند خداوند اذان را به او وحی نمود و جبرئیل اذان را به او
آموزش داد.

مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج 1، ص 329، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي، الوفاة: 807، دار النشر: دار الريان للتراث / دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - 1407.

و اما در میان آراء فقهاء اهل سنت نظر ابن کثیر قابل توجه است تا ببینیم نظر و هابیت درباره وحی اذان چیست؟ ابن کثیر در البدایه و النهایه به این روایت که می رسد تعبیرش این است که می گوید: سهیلی که از شارحین نهج البلاغه و شارحین صحیح بخاری هم هست می گوید:

لما يعضده و يشاكلة من حديث الاسراء

این حدیث، حدیث صحیحی است. صحیح و سایر روایات مربوط به معراج پیغمبر هم این روایت را تأیید می کند اما با این وجود ابن کثیر می گوید: این روایت که دلالت می کند اذان وحی از جانب خداوند است روایتی منکر است. فهذا الحديث ليس كما زعم السهيلي أنه صحيح بل هو منكر تفرد به زياد بن المنذر أبو الجارود الذي تنسب إليه الفرقة الجارودية وهو من المتهمين. ثم لو كان هذا قد سمعه رسول الله صلي الله عليه وسلم ليلة الاسراء لأوشك أن يأمر به بعد الهجرة في الدعوة إلى الصلاة.

این حدیث آن گونه که سهیلی به صحت آن گمان برده نیست بلکه آن روایتی مورد انکار و منفرد است که زیاد بن منذر ابو الجارود تنها کسی است که این روایت را نقل کرده است و ابو الجارود کسی است که فرقه جارودیه به او منتسب است. یعنی: بنیانگذار فرقه جارودیه از فرق زیدیه که او از متهمین است. اگر واقعا قضیه چنین بود که در شب معراج پیامبر شنیده بود لازم بود که نبی مکرم بعد از هجرت مردم را دستور بدهد به این اذان و حال آن که این چنین نیست.

البداية والنهاية، ج 3، ص 233، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، الوفاة: 774، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت.

سيره نبوي ابن كثير، ج 2، ص 337 - امتاع الإسماع، مقرئزي، ج 10، ص 122- الدر المنثور، سيوطي، ج 4، ص 154.

این پنج دسته روایاتی بود که بیان نمودیم، البته ممکن است جز این پنج دسته، روایات دیگری نیز باشد.

خلاصه این پنج دسته از روایات این است که: تشریح اذان یا به خواب عبد الله بن زید، یا به پیشنهاد عمر بن الخطاب، یا نظریه ابو بکر، یا به مشورت صحابه، یا به وحی از سوی خداوند تبارک و تعالی صورت گرفته است.

ما در آن بخشی که می خواهیم روایات را نقل کنیم آنجا موارد تعارض را کنار هم می گذاریم و عرض می کنیم که هیچ وجه جمعی بین این روایات نمی شود درست کرد؛ یعنی تعارض به قدری شدید است که امکان وجه جمع بین این روایات نیست. حالا ممکن است نسبت به خواب ها وجه جمعی درست کنیم؛ گرچه آنجا هم وجه جمع خیلی قابل قبولی نیست. متن روایات و مضمون روایات عاری از وجه جمع است. یعنی در همان خواب چه خواب عبد الله بن زید که با سندهای متعدد آمده، چه خواب عمر بن الخطاب و چه خواب ابو بکر اینها همه از نظر محتوا تعارضش فراتر از آن است که انسان بتواند وجه جمعی برای این روایات پیدا کند.